

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۳ تیر ماه ۱۳۱۰ \* ( ۱۸ صفر ۱۳۵۰ )

## فهرست مذاکرات

- ۱ ( تصویب صورت مجلس )
- ۲ ( سؤال آقای رهنما و جواب آقای وزیر امور خارجه راجع به تجارت خارجی ایران )
- ۳ ( تصویب ده فقره مرخصی )
- ۴ ( تقدیم سه فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه و تقاضای تصویب يك فقره از آنها فی المجلس )
- ۵ ( تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه و تقاضای تصویب آن فی المجلس )
- ۶ ( موقوف دستور جلسه بعد - ختم جلسه )

مجلس يك ساعت قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

صورت مجلس یکشنبه ششم تیر ماه را آقای مؤید احمدی ( منشی ) قرائت نمودند \* \*

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

رهنما - بنده از حضور آقای وزیر امور خارجه موقع را مغتنم میشمارم و در موضوع سؤال مهمی که دارم از ایشان نمی‌توانم بگویم اگر ممکن بشود در همین جلسه جواب بفرمایند. قانون انحصار تجارت در نتیجه بحران اقتصادی مملکت در نتیجه عدم تعادل صادرات و واردات و در نتیجه فشار زندگی که بر طبقات مختلفه مملکت از کارگر و زارع و مستخدم تمام اینها پیدا شد و عامه متوجه بودند که راه حل برای این موضوع پیدا کنند زندگی عمومی در ایران بواسطه تنزل

رئیس - آقای طباطبائی دیبا.

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست؟ ( نمایندگان خیر ) صورت مجلس تصویب شد.

[ ۲ - سؤال آقای رهنما و جواب آقای وزیر امور خارجه ]

رئیس - آقای رهنما یاد داشت شما را خواندم آقای وزیر امور خارجه را قبلاً در موضوع سؤال خودتان مسبق کرده اید؟

\* \* عین مذاکرات مشروح سی و ششمین جلسه از دوره هشتم تقنینیه . ( مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ )

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* \* اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه - آقایان نیورتاش دکتر احتشام - آشتیانی - ارباب کیخسرو - چایچی - میرزا محمد خان وکیل - عدل - حبیبی - روجردی - احتشامزاده - آدینه‌جان یارعلی غائبین بی اجازه - آقایان : ناصری - حاج میرزا حبیب الله امین - حاج محمد رضا بهبهانی - عراقی - اعظم زنگنه - حاج تقی آقا وهاب زاده - تربیت - آقازاده مهدوی - بیات ماکو - موقر - اسمعیل خان فنقانی - قوام

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : دکتر امیراعلم - مرتضی قلیخان بیات - اسدی - کفائی - مسعود ثابقی

قران که تعبیر میشد به ترقی اسعار خارجی وضعیت پیدا کرد که در سنوات گذشته هیچ نظیری برای آن نبود. بوند دوازده تومان شاید سالهای زیادی بود که حتی معمرین هم بخاطر نداشته باشند که بوند باین قیمت رسیده باشد. بوند دوازده تومان؟! این وضعیت سبب گردید اجناس خارجی که بکفست زیاد مال التجاره های طرف احتیاج ما است ترقی کنند. این ترقی بعمل آمد و لسی عایدات مردم زیاد تر نشد طبیعتاً وضعیت تمام مردم زندگانی مردم و عائله ها بهم خورد يك کسی که پانزده تومان بیست تومان پنجاه تومان عایدی داشت مخارجش دو برابر شد این وضعیت فوق العاده غیر قابل تحمل بود و باعث گردید که مردم تقاضا کنند تجار تقاضا کنند بالاخره وضعیت عمومی مملکت تقاضا کند که يك حدی برای این تولید شود تا تحدید کند زندگانی مردم را قانون انحصار تجارت در بین مجلس با اکثریت هنگفتی تصویب گردید این قانون بموقع اجرا گذاشته شد. در مردم يك شور و شوقی پیدا شد که ماشین آلات کارخانه و چیزهایی که بتواند آنها را از مال التجاره خارجی بی نیاز کند تهیه کنند. در طهران در آذربایجان در خراسان در سایر نقاط مملکت شروع کردند به تاسیس ماشین آلات که يك قسمت آنها وارد شده و يك قسمت دیگر در شرف وارد شدن است این ها سابقاً نمی توانستند با سرمایه شخصی خودشان کاری بکنند برای اینکه وضعیت رقابت تجارتي آنها را زیاد در میآورد نظائر آنرا در زندگی گذشته خودمان خیلی دیده ایم و تمام آقایان هم سابقه دارند در این اثنا يك سؤال و جوابی در مجلس لردهای انگلیس پیش آمده لر دلامینگتن سؤالی از لر دیار مور می کنند و از هم يك جوابی میدهد این سؤال و جواب ها را آقای وزیر خارجه لابد خوانده اند بنده مجدداً این را میخوانم. لندن - ۲۷ ژوئن در مجلس اعیان لر دلامینگتن در طی نطقی که ایراد نمود توجه دولت را باثرات انحصار تجارت که در ایران برقرار شده

ثانیاً لر د پارمور در باب انعقاد عهود تجارتي و غیره اظهار نموده اند که تا يك درجه موفقیت حاصل شده و اگر دولت ایرانهم مایل باشد ممکن است مذاکرات سریمابجانه رضایت بخش برسد. در این باب بطور کلی میتوانم بگویم که دولت ایران علاقه مندی کامل دارد که با تمام ممالک همجوار خود بواسطه عقد عهود و قرارداد های مقتضیه روابط خود را بحد اکثر داد و وصمیمیت برساند و اگر تنها میل ایران برای انعقاد عهود و قرار داد های مزبور کافی میباشد یقیناً امروز هیچ قرارداد و عهدنامه منعقد نشده با هیچ دولتی باقی نداشتیم توقعات دولت ایران نسبت بهر کسی بسیار ساده و حق است و آرزومندی دولت ایران باستقرار روابط و دادیه با تمام ممالک عالم و مخصوصاً ممالک همجوار مکرر اظهار شده و قابل تردید نیست ولی در همانحال نظر اساسی دولت ایران این است که کلیه قرارداد ها و عهود بر پایه محافظت حقوق مشروع مملکت ایران منمقد گردد (صحیح است) و احترام و شئون مملکت محفوظ بماند (صحیح است) و هر وقت تاخیری در انعقاد قرارداد و عهدنامه بشود علت آن را فقط مرعی نبودن اصول مزبوره باید دانست (صحیح است) بالنتیجه دولت ایران بسیار مایلست که با دولت انگلیس تجدید نظر در روابط خود بنماید و آن روابط را در ضمن عهود و مقالات جدید تنظیم و تأمین کند و امیدوار هستیم که در آتی نزدیکی نماینده ایران در لندن و نماینده انگلستان در طهران بتوانند موجبات انعقاد عهود لازمه را بهتر از سابق فراهم نمایند که روابط بین مملکتین بر پایه های ثابتی استوار شود

قسمت سوم جواب لر د پارمور مربوط بمضرات قانون

تفتیش اسعار برای تجارت بریطانیا است.

محتاج بتذکر این جانب نیست که هر مملکتی در قوانین و تصمیمات خود قیل از رعایت منافع دیگران باید منفعت خود را در نظر بگیرد و برای حفظ آن تدابیر لازمه

نامیده میشود از مدتیکه ضرورت و فوریت ایجاد میکند تجاوز نماید فرضاً لرد معزی الیه اظهار مینماید که قوانین واجعه بانحصار تجارت تمام تجارت خارجه را با ایران بحال وقفه در آورده است. در اینکه علت توسل دولت ایران باستقرار قانون انحصار تجارت برای جلوگیری از بحران اقتصادی مملکت بود هیچ جای تردید نیست زیرا که انحصار تجارت مملکت اقتصادی دولت ایران نیست الا اینکه در باب تعریف بحران اقتصادی مملکت ایران و تشخیص علل آن ممکن است اختلاف نظر باشد بعقیده دولت ایران علل اصلی بحران اقتصادی مملکت دو چیز است. یکی تفاضل واردات بر صادرات و دیگری فقدان وسایل حمایت از صنایع داخلی و مغلوبیت آنها در مقابل رقابت خارجی (صحیح است) مملکت ایران به ملاحظه استعداد طبیعی نه تنها از هیچ نوع بحران اقتصادی با ک ندارد بلکه قادر است که در ردیف ثروت مند ترین ممالک دنیا محسوب شود اما برای نیل باین مقصود حمایت دولت از ترقی صنایع داخلی و جلوگیری از رقابت خارجی و تکثیر صادرات نسبت بواردات از شرایط حتمی و ضروری است (صحیح است) برای تأمین مقاصد و نتایج فوق بعد از مطالعات بسیار دولت ایران تصمیم باستقرار انحصار تجارت خارجی گرفته و آنرا عملی نمود اکنون که باین خط وارد شده و آنرا مستقر ساخته قبل از حصول منظورهائی که داشته هیچ علتی در بین نیست که آنرا موقتی تلقی کرده در فکر انصراف از آن باشد تغییر و بهبودی اوضاع اقتصادی هیچ مملکتی در مدت قلیلی میسر نمیشود و کسی نمی تواند انکار کند که بهبودی اقتصادی خیلی تدریجی الحصول است (صحیح است) و مادام که بهبودی منظور قطعاً حاصل نشده و اوضاع تجارت و صنایع داخلی ایران محتاج بحمايت و نظارت دولت باشد قانون انحصار تجارت باقی و برقرار باید بماند و مسلم است که ملت ایران که آرزوی تمام عناصر منور الفکر و خیرخواه او حمایت مؤثر از اوضاع اقتصادی مملکت بوده است و با حسن تلقی که از طرف مردم علاقه مند

اولاً دولت ایران مایل است بقدر فروش مملکت و از پولی که از فروش محصولات عاید میشود جنس خریده شده و احتیاجات وارداتی مملکت تأمین شود و چون واردات ایران بر صادرات تفاضل داشت و هر چه بحران اقتصادی دنیا شدید تر و با وسایل عمل آوردن محصولات صنعتی در ممالک دیگر زیاد میشد بر واردات مملکت ایران نیز میافزود لهندا دولت ایران ناگزیر بود احتیاجات مملکت و میزان صادرات را سنجیده و در حدود مزبور ورود اجناس را بخود منحصر نموده بقیه را برای سایرین مجاز نماید. خواستن تصدیق صدور برای تحصیل جواز ورود - طبقه بندی و تعیین کتتزان برای اجناس ورودی و محدود نمودن هر يك از آنها به مبالغ معین در سال و استقرار جواز ورود نتایج منطقی و شرایط حتمی تأمین مقصود است. الزام تمهد برای صادر کنندگان در فروش اسعار بدولت نیز جزء همان شرایط محسوب شده و بعلاوه برای از دیاد وسائل است بجهت واردات مجاز و چنانکه قبلاً نیز اشاره کردم صادرات هر مملکت فقط در صورتی برای آن مملکت مفید است که حاصل فروش آن بشکل اسعار و یا مالالتجاره بمملکت برگردد. بنابراین اگر صادر کنندگان تمهد اسعاری نداشته باشند مقداری از ثروت مملکت بشکل صادرات خارج میشود و در مملکت برای اجناس مجاز ورودی اسعار پیدا نخواهد شد (صحیح است) و فقط در این مورد است که ممکن است بتجارت ممالک خارجه با ایران صدمه برسد. مقصود دوم دولت ایران از استقرار قانون انحصار تجارت خارجی حمایت از صنایع داخلی است، مختصر مراجعه به احصائیه های اجناس ورودی نشان میدهد که علاوه بر بسیاری از اشیاء که وارد نشدن آن هیچ نوع صدمه بمعمشت ملی وارد نمیآورد حتی نمك ذغال، هیزم سیب زمینی سبزی خوراکی میوه تازه گوشت ماهی تازه و امثال آن وارد میشده است و هیچ علتی ندارد که مملکت ایران امتمه را که دارد و بابسهولت میتواند دارا بشود استعمال

نکرده و آن را از خارج وارد کند (صحیح است) اگر با وسعت نظر بتجارت ایران نگاه بشود باید کلیه ممالکی که با ما تجارت دارند با نهایت صمیمیت مشتاق بهبودی اوضاع اقتصادی مملکت و تکثیر ثروت عمومی باشند زیرا که هر چه ثروت مملکت ایران بسط بیابد و هر چه بر صنایع داخلی و صادرات ایران افزوده شود بازار واردات آنها نیز در ایران توسعه پیدا خواهد نمود ممکن است تا چندی دیگر مملکت ایران خود قند و چای و پارچه و نخ و کبریت و صابون و اینگونه احتیاجات خود را تأمین کند و شاید تصور برود که این مطلب ضرر ممالک وارد کننده این اجناس است ولی بر کسی پوشیده نیست که هر مملکتی که صنایع داخلی آن روبه ترقی میگذارد احتیاجات ورودی آن نیز اضافه میشود و صد مقابل اجناس معمولی که میخرید احتیاج مثلاً به ماشین آلات پیدا کرده و محتاج بخرید اسباب و لوازم ایجاد صنایع داخلی خود از خارجه میگردد. بنابراین آنچه گفته شد انحصار تجارت خارجی ایران برای کلیه ممالکی که در صدد خرید و صدور امتعه ایرانی باشند و در مقابل بخواهند اجناس مجاز وارد کنند هیچ نوع مشکلاتی ایجاد نکرده است و بعلاوه مراجعه بصورت درخواست های واصله بداره کل تجارت و جواز های صادره بخوبی نشان میدهد که وقفه هم در تجارت خارجی ایران نسبت باجناس مجاز حاصل نشده است (صحیح است)

### [ ۳- تصویب ده فقره مرخصی ]

رئیس - چند فقره خبر از کیسیون عرایض و مرخصی رسیده است قرائت میشود. قبل از قرائت مرخصی ها خاطر آقایان را متوجه می سازم که آقایان چندی بود مرخصی میخواستند ولی بانظارت رسیدن تعطیل عادی تاامل کرده اخیراً چون استنباط شد که کارهای معجل فوری ممکن است پیش آید و تعطیل مردد بود بنابراین مرخصی هائیکه ضرور بود تعقیب فرموده اند این مسئله رعایت شده که همیشه باندازه کافی و بحد نصاب عده در مرکز موجود بوده و دوام کار ها میسر باشد بعلاوه آقایان يك قسمت از حقوق

خودشانرا بکار خیری که در اوراق مرخصی ملاحظه می‌فرمائید تخصیص داده اند.

خبر مرخصی آقای فرشی

نماینده محترم آقای فرشی برای رسیدگی بامورات محلی از تاریخ بیستم تیرماه ۱۳۱۰ تقاضای دو ماه مرخصی نموده‌اند کمیسیون با اختصاص يك عشر از مقرری اینمدت بمصرف مریضخانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینك خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - آقای ملک

ملك مدنی - موافقم.

رئیس - مخالفی ندارد؟ (اظهار شد - خیر) موافقین بامرخصی آقای فرشی قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای فزونی

نماینده محترم آقای فزونی برای رسیدگی بامورات محلی از تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۱۰ تقاضای دو ماه مرخصی نموده‌اند کمیسیون با اختصاص يك عشر از مقرری اینمدت بمصرف مریضخانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینك خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - موافقین بامرخصی آقای فزونی قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای عراقی

نماینده محترم آقای عراقی برای رسیدگی بامورات محلی از تاریخ اول تیرماه ۱۳۱۰ تقاضای دو ماه مرخصی نموده‌اند کمیسیون با اختصاص يك عشر از مقرری اینمدت بمصرف مریضخانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینك خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - مرخصی آقای عراقی را آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده زیادی قیام نمودند)

هفتم تیرماه ۱۳۱۰ تقاضای دو ماه مرخصی نموده‌اند کمیسیون با اختصاص یکعشر از حقوق این مدت بمصرف مریضخانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینك خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای امیر ابراهیمی قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای باستانی

نماینده محترم آقای باستانی برای رسیدگی بامورات محلی از تاریخ یکشنبه ۲۰ تیرماه تقاضای دو ماه مرخصی نموده‌اند کمیسیون با اختصاص یکعشر از مقرری اینمدت بمصرف مریضخانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینك خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای باستانی قیام فرمایند

(عده زیادی برخاستند)

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای ارباب کیخسرو

نماینده محترم آقای ارباب کیخسرو شاهرخ از تاریخ ۱۰ تیر ۱۳۱۰ تقاضای یکماه تمدید مرخصی نموده‌اند کمیسیون با اختصاص یکعشر از مقرری اینمدت بمصرف مریضخانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای ایشان موافق و اینك خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای ارباب کیخسرو

قیام فرمایند.

(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای مردهی

نماینده محترم آقای مردهی برای رسیدگی بامورات محلی از تاریخ اول مردادماه ۱۳۱۰ تقاضای ۴۵ روز مرخصی نموده‌اند کمیسیون با اختصاص یکعشر از مقرری مدت مزبور بمصرف مریضخانه حضرت عبدالعظیم با تقاضای

ایشان موافق و اینك خبر آنرا تقدیم میدارد.

رئیس - موافقین با مرخصی آقای مردهی قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۴- تقدیم سه فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه و تقاضای تصویب یکفقره آن فی المجلس]

وزیر عدلیه - سه لایحه است تقدیم میکنم دو لایحه به کمیسیون عدلیه خواهد رفت و راجع بیکی دیگر از آن لوائح که مربوط بمروز زمان منقول است تقاضای دو فوریت میکنم که آقایان موافقت فرمایند که نزدیک بآخر وقت هستیم بلکه امروز تمام شود.

رئیس - قرائت میشود.

ساحت محترم مجلس شورای ملی شیدالله از گانه.

نظر باینکه در قوانین موجوده فعلی برای تعیین اثراتی که ممکن است از نقطه نظر قطع مرور زمان عرضحال یا اظهارنامه رسمی درموارد خاصی تولید نماید مقرراتی معین نشده است و ممکن است که این موضوع موجب اشکال در محاکم گردد لذا مواد ذیل پیشنهاد و تقاضای تصویب آن می‌شود.

ماده ۱ - اگر کسی بوسیله عرضحال رسمی با اظهارنامه قانونی حق خود را از دیگری مطالبه نماید و بعد معلوم شود که طرف در تاریخ تقدیم عرضحال یا اظهارنامه در حال حیوة نبوده و یا اگر طرف شرکتی بوده آن شرکت در تاریخ مزبور منحل بوده است این عرضحال یا اظهارنامه برای قطع مرور زمان بر علیه وراث متوفی و یا بر علیه اشخاص با شرکتی که قائم مقام شرکت منحل شده‌اند و یا مسئول تعهدات او میباشند کافی خواهد بود.

ماده ۲ - تقدیم عرضحال رسمی و یا اظهارنامه قانونی بعنوان وراث طرف بدون تعیین اسمی و یا محل اقامت آنان و یا بعنوان اشخاص و یا شرکتی که قائم مقام شرکت منحل گردیده و یا مسئول تعهدات او میباشند برای قطع مرور زمان کافی خواهد بود.

ماده ۳ - اگر کسی قبل از اقباض مهلت دوساله که بموجب ماده ۸ قانون مرور زمان مصوب ۲ تیرماه

۱۳۰۸ مقرر است بوسیله عرضحال رسمی با اظهارنامه قانونی حق خود را مطالبه کرده باشد مدت مزبور منقطع شده و مدت جدیدی که برای حصول مرور زمان لازم است یکسال از تاریخ انقطاع خواهد بود علاوه برقیه مدت دوسال قبل از انقطاع - انقطاع مهلت مذکور فوق فقط يك دفعه ممکن است.

رئیس - فوریت مطرح است. آقای وثوق.

سید مرتضی خان وثوق - بنده موقعی که اصل قانون

مرور زمان منقول در مجلس مطرح بود مخالفت کردم دلیل مخالفت هم خیلی واضح بود مخالفت بنده روی این قسمت است که اگر اهالی مملکت عموماً آشنا باشند بقوانین و کاملاً حقوق خودشان را حفظ بکنند در اثر دانستن قوانین بنده عرضی ندارم ولی مملکت ما که تازه قدم بجاده ترقی میگذارد و فعلاً غالب ساکنین آن عشایر و ایلات و دهقانی است و از قوانین موضوعه اطلاعی ندارند قانون مرور زمان آنهم برای ده سال در منقول حقوق آنها را از بین میرد بنده اصولاً حرفی ندارم اگر يك مدت ممتدی درباره مرور زمان معین بشود برای اینکه دعای قطع بشود و محاکم هم از این حیث راحت بشوند ولی مدت دوسال مرور زمان گذشتن و دقیقه وساعت باعث شود که حقوق مردم از بین بروند این مطابق با فلسفه و منطق نیست مگر اینکه مرور زمان چهل پنجاه سال باشد البته صحیح است. اما راجع به این لایحه عقیده بنده این است روی همین فلسفه که عرض کردم و الا آن بیشتر مردم ساکنین شهر که از قوانین یکقدری بیشتر اطلاع دارند توانسته اند از قوانین استفاده کنند مردم خارج از کجا میداند که مرور زمان میگذرد و باید عرضحال رسمی بدهد که مرور زمان را قطع کند و بعد یکسال مدت داشته باشد که بتواند عرضحال رسمی بدهد و الا حقوق او پایمال می شود بنده با فوریت این لایحه مخالفم برای اینکه اگر آقای وزیر عدلیه موافقت فرمایند تمديد بدهند اصل آن لایحه مرور زمان را همانطور که در جلسه خصوصی عرض کردم که تا یکسال تمديد بکنند و بعموم ساکنین قراء و قصبات و ایلات اعلان

اینکه آقا میفرمایند که مردم اطلاع ندارند شما يك کاری بکنید يك مدتی بهشان بدهید شش ماه یکسال و در قراء و قصبات اعلان کنید که مردم مطلع شوند که اگر سندی بر علیه اشخاصی دارند برونده مطالبه کنند. اولادوات را چه وادار کرده که يك عده از افراد مملکت را بر علیه يك عده از افراد دیگر مملکت تحریک کند چه دلیل دارد که هر کسی اگر حقی دارد و خودش را دارای حق میداند برود آن حق خودش را تعقیب بکند و احقاق حق خودش را بکند بنده عرض میکنم اگر دلیل آقا را بنده قبول کنم دیگر شش ماه کافی نیست اگر اطلاع رساندن بمردم و حالی کردن بمردم ما بیائیم ماخذ کار قرار داده و بگوئیم باندازه باید مهلت داد تا وقتی که مردم بفهمند بنده تصور میکنم که چندین ده سال لازم است و با شش ماه مطلع نخواهند شد بالاخره بنده سابقاً هم به آقا عرض کردم قانون را بدو قسم میشود فهمید یکی در مدرسه که يك مدارس معینی هست مثل مدرسه حقوق که یکعده آنجا چند سال زحمت میکشند و تحصیل میکنند و میفهمند يك راه دیگر در زندگانی است همانطور که از اشخاصی که پیرسید از مردمان خیلی کم اطلاع هم که پیرسید يك اطلاعات خیلی اجمالی و کلی در معاملاتشان دارند این اطلاعات اجمالی و کلی را در مدرسه یاد نگرفته اند از نطق و فرمایشات آقا با از عرایض و بیانات بنده هم چیزی دستگیرشان نشده است از روزنامه هم این مطالب را بدست نیاورده اند در ضمن عمل یاد گرفته اند بمرور ایام يك اطلاعاتی تا اندازه که احتیاج خودش را رفع کند بدست آورده است قانون مرور زمان هم وقتی که در عمل آمد و جاری شد بواش بواش مردم ملتفت میشوند که اگر طلبی داشته باشند بایستی زودتر بروند تعقیب کنند و اگر يك مدتی گذشت آنوقت دیگر عدلیه حرف آنها را گوش نمیکند آقا طرف اشخاصی را میگیرید که ممکن است مدعی باشند و ارونه آن ممکن است طرف اشخاصی را بگیرد که ممکن است مدعی علیه باشند بالاخره برای هر دو طرف هست و همانطوری که این قانون از برای یکعده که رفته اند و اهمال کرده اند ممکن است مضر

باشد آنطوریکه آقا میفرمایند همانطور هم از برای یکعده و اشخاصی که هستند که تکلیفشان روشن میشود و میدانند فردا صبح پس فردا روز بانزدهم تیر که گذشت نسبت بان دعای خیلی کهنه که مرور زمان برش جاری شده بود و مدت دوسالی هم که به مدعی مهلت داده بودند اظهارنامه و عرضحالی نداده است دیگر نمیتواند ادعایی بکند و آن اشخاص دیگری که ممکن است مدعی علیه فرض کرد يك نفس راحتی میکشند و هر روز دارائی آن شخص مورد تهدید واقع نمیشود پس بنابر این بنده عرض میکنم اگر با اصل قانون مرور زمان موافقت داشته باشید آنوقت در مسئله مهلت بنده بنده دلیل میتوانم بآقا ثابت کنم که نمیشود یکی این که آن مهلت کافی نخواهد بود و اگر بخواهند مردم بفهمند شش ماه کافی نخواهد بود بلکه شش سال هم کافی نخواهد بود و اگر بنده بگویم شصت سال اغراق میشود و دیگر اینکه مردم بیشتر اغفال میشوند همینقدر در يك قانونی که می استثناء قائل شدید و مدت را تمديد دادید دیگر دنبال نمیروند مثل امروز که ما میائیم اعلان میکنیم در ثبت املاک و میگوئیم که هر کس ادعایی دارد تا نود روز و در يك مواردی تا شصت روز اگر حرفی دارد برود اعتراض بدهد و الا بعد نمی پذیریم بلی ممکن است اگر يك عده غفلت کنند حقشان از بین برود مرور زمان هم همینطور است این است که بنده نمی میکنم آقایان هم موافقت فرمایند وارد در موضوع بشویم زودتر این قانون بگذرد جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - آقایان بیکه با فوریت لایحه موافقت قیام فرمایند.

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شده فوریت ثانی مطرح است. مخالفی نیست (گفته شد خیر) موافقین با فوریت ثانی قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده مذاکرات در کلیات است

(بعضی از نمایندگان - مخالفی ندارد) آقایانیکه ورود در مواد را معتقدند قیام فرمایند  
(اکثر نمایندگان برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود:

ماده اول - اگر کسی بوسیله عرضحال رسمی یا اظهارنامه فانونی حق خود را از دیگری مطالبه نماید و بعد معلوم شود که طرف در تاریخ تقدیم عرضحال یا اظهارنامه در حال حیوة نبوده و یا اگر طرف شرکتی بوده آن شرکت در تاریخ مزبور منحل بوده است این عرضحال یا اظهارنامه برای قطع مرور زمان بر علیه وراث متوفی و یا بر علیه اشخاص یا شرکتی که قائم مقام شرکت منحل شده اند و یا مسئول تعهدات او میباشد کافی خواهد بود

**رئیس** - آقای شریعت زاده

**شریعت زاده** - موافقم

**رئیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - موافقم

**رئیس** - آقای طباطبائی دینا

**طباطبائی دینا** - بنده باین ماده موافقم لیکن میخواستم از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که نسبت بعرضحال پانزده روز آخر مدت است و فرض کنیم دو سه روز دیگر تقریباً مانده است اگر امروز بکنفر عرضحال داده است بمحکمه و فرض کنیم که این عرضحال يك نواقصی داشته باشد و مراجعه شود بصاحب عرضحال برای ترمیم آن مدت قانونی آنهم پنج روز است آنوقت مدت قانونی مرور زمانهم گذشته است نسبت باین قبیل عرضحالهاتوقت تکلیف چیست؟ این را ممکن است جواب فرمایند که معلوم شود.

**وزیر عدلیه** - عرضحال وقتیکه داده شد اقامه دعوی

اگر نواقصی دارد اخطار میکنند باو مطابق مقررات اصول محاکمات حقوقی در صورتیکه در مدت مقرر تکمیل نکرد آنوقت فرارردش را خواهند داد بنابراین فرضی را که آقا کردید که درروز فرضا باخر مدت مانده عرضحالی میدهد

و بعد معلوم میشود که ناقص است مرور زمان در هر صورت بواسطه دادن عرضحال قطع میشود ولو اینکه نواقصی داشته باشند و محتاج باشند باینکه بعد تکمیل بکنند  
**افسر** - صحیح است. خیلی خوب توضیحی بود.

**رئیس** - آقای دکتر طاهری

**دکتر طاهری** - بنده عرضم این بود که برطبق قانون مرور زمان دادن عرضحال که قطع میکنند مرور زمان را محتاج نیست باین ماده که حالا تقدیم شده است برای اینکه در اینجا مینویسد که عرضحال بطرف که حی است برسد ماده چهار قانون مرور زمان میگوید (هر گاه کسی که مرور زمان بر علیه او جریان دارد بوسیله عرضحال رسمی یا اظهاریه قانونی حق خود را مطالبه کند) پس حالا که ما بوسیله عرضحال حق خودمان را مطالبه کردیم مرور زمان را حق داریم منقطع بکنیم اگر چه طرف مرده باشد یا زنده بعقیده بنده این ماده چهار نظریه آقای وزیر عدلیه را تأمین میکند و اصولاً اگر چنانچه کسی خیال کند طلبی دارد و یا حقی دارد از کسی عرضحالی داد طرف مرده بود یا شرکتی منحل شده بود بوسیله دادن عرضحال رسمی مرور زمان قطع میشود میخواستیم ببینم چطور شده که این ماده را آورده اند در صورتیکه تأمین بوده است.

**وزیر عدلیه** - لابد بنظر بنده که لایحه را آورده ام مطلب قابل بحث بوده اگر بآن انداره که آقا میفرمایند مطلب قطعی و روشن بود و درش بحث نمیشد کرد بنده خودم را محتاج نمیدانستم باوردن این لایحه و آقایان را بزحمت نمایانداختم استدلال آقا بالاخره این میشود که در قانون فعلی هم همین است بعبارت دیگر این لایحه توضیح واضح است بسیار خوب این توضیح واضح را که رأی دادید مطلب حل میشود

**رئیس** - آقایانیکه با ماده اول موافقت دارند قیام

فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود:

ماده دوم - تقدیم عرضحال رسمی و یا اظهار نامه قانونی بعنوان وراث طرف بدون تعیین اسامی و یا محل اقامت آنان و یا بعنوان اشخاص و یا شرکتی که قائم مقام شرکت منحل گردیده و یا مسئول تعهدات او میباشد برای قطع مرور زمان کافی خواهد بود.

**رئیس** - آقای روحی

**روحی** - موافقم

**جمعی از نمایندگان** - مخالفی نیست.

**رئیس** - موافقین با ماده دوم قیام فرمایند

(عده کثیری برخاستند)

**رئیس** - تصویب شد ماده سوم قرائت میشود.

ماده ۳ - اگر کسی قبل از انقضاء مدت دو ساله که بموجب ماده ۸ قانون مرور زمان مصوب ۲ تیر ماه ۱۳۰۸ مقرر است بوسیله عرضحال رسمی یا اظهار نامه قانونی حق خود را مطالبه کرده باشد مدت مزبور منقطع شده و مدت جدیدی که برای حصول مرور زمان لازم است یکسال از تاریخ انقطاع خواهد بود علاوه بر بقیه مدت دو سال قبل از انقطاع - انقطاع مهلت مذکور فوق فقط یکدفعه ممکن است

**رئیس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - بنده عرایض تقریباً عکس فرمایشات

آقای وثوق است بنده بهترین قانونیکه در این مملکت گذشته است از حیث عمل قانون مرور زمان را می دانم از حیث عمل بهترین قوانین است بعلت اینکه دعای را قطع میکنند باید يك حدی قرار داد بنده يك طلبی دارم از فلان آدم یکسال مدتش است سرسال شده است نداده در سال هم بنده مطالبه نکردم دو سال هم مهلت دادند نکردم این چه حقی است خود بنده اعراض کردم و البته اطلاع دارم که در قواعد کلی خودمان هست از سابق که هر کس حقی دارد و دهسال مطالبه نکرد دیگر حقی ندارد (وثوق - همچو چیزی نیست) بنده حاضرم عین عبارتش را بخوانم من له حق و لم بطل به عشر سنین فلیس له آن بطل به در جواهر شیخ محمد حسن روایت شده

است هر وقت هم بخواهید بنده ارائه میدهم عرض کنم خدمت حضرتعالی که بنده در قسمت ماده سوم مخالفتم از آنطرف است که چرا دیگر مهلت میدهید در ماده سوم گفتیم اگر آمده است در مدت دوسالی که مهلت دادیم عرضحال داده بنده همچو حس میکنم که غرض آقای وزیر عدلیه اینست که اگر آمد و عرضحال داد و تعقیب نکرد در مدت قانونی عرضحال و اظهار نامه داده است لیکن تعقیب نکرد مرور زمان را قطع کرد لیکن تعقیب نکرد این را برای او درست کردند ولی بنده عرض میکنم که مثل سایر قوانین عمومی اگر کسی عرضحال داد و تعقیب نکرد یکسال گذشت عرضحالش باطل میشود و این هم در حکم آنها باشد و این قانون باین محکمی را بنده عقیده ندارم که انگشت بزیم یکسال ششماه مهلت بدهیم اینکار خورده خورده نظایر پیدا کند و دست توی قانون برده شود خوب نیست از اینجهت بنده با ماده سوم مخالفت عرضحال را در مدت قانونی داده اظهار نامه داده ولی تعقیب نکرد عرضحالش را اگر چنانچه تعقیب نکرد بعد از یکسال عرضحالش باطل است پس لازم نیست که ما يك ماده قانون دیگری بیآوریم يك ماده است که ناخن توی او میرود و شش ماه دیگر مهلت میدهیم و بالاخره هلم چرا

**وزیر عدلیه** - بنده نمیخواهم خیلی مفصل به آقا

عرض کرده باشم آقا چنین تعبیر میفرمایند که بموجب ماده هشتم قانون که ما آمدیم اینجا بهش اشاره میکنیم مرور زمان بوسیله دادن عرضحال و اظهار نامه در این مدت دو سال قطع میشود و این چیزی که ما اینجا نوشته ایم يك قسم مهلتی است بنده عقیده ام این است که در این هم میشود بحث کرد که آیا در خود آن قانون در خود آن اظهار نامه و عرضحالی که داده میشد قاطع مرور زمان بود یا خیر و از برای روشن کردن قضیه اینرا آوردیم که بر فرض که يك عده هم باشند باین عقیده چون از قانون ممکن است اینطور بریابند و اینطور استدلال بکنند که مدت مرور زمان قابل انقطاع است و حتی این دوسالی که اینجا مهلت داده شده است ممکن است

این استدلال بشود چنانکه بعضی آقایان به بنده میگفتند ضرورت نداشت این بود که ما آمدیم این ماده سه را در اینجا گذاشتیم مدت هم رویهمرفته بعد از تجدید نگذاشتیم زیاد شود که برود روی سه سال و یکسال هم که در قانون هست فقط یکسال گذاشتیم بنده تصور میکنم عدم تعدل همان حدی باشد که در قانون بیش بینی شده نه فرمایشات آقای وثوق که میفرمایند يك مدنی هم مهلت داده شود و نه فرمایشی که آقا میفرمایند که کسانی هم که آمدند و در ظرف این سال اظهارنامه داده و با عرض حال داده اند تعقیب نکرده اند مرور زمان قطع بشود و اگر موافقت فرمائید در همین حد وسط شاید بهتر باشد

جمعی از نمایندگان - کافی است

روحی - بنده مخالفم

رئیس - نوبه آقایان است. آقای احتشامزاده

عده از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - معلوم میشود کافی است. تبصره از آقای شریعت زاده پیشنهاد شده است:

تبصره - قطع مرور زمان از تاریخ تقدیم عرض حال یا اظهار نامه به مرجع صلاحیت دار حاصل میشود نه از تاریخ ابلاغ بطرف

شریعت زاده - اگر چه این مطلب اصولاً واضح است ولی چون بنده در این ایام تذکرانی در خارج شنیده ام که بعضی اشخاص اینطور فکر میکنند که لازم است به طرف هم این قسمت ابلاغ و اخطار شود باین جهت بنده خواستم بعنوان تبصره پیشنهاد کنم که اگر آقای وزیر عدلیه لازم بدانند قبول کنند و اگر خیر قطع مرور زمان از همان تاریخ تقدیم است و در محاکم ممکن است این مطلب اعمال شود بنده تبصره را مسترد بدارم

وزیر عدلیه - در اینجا هم نماینده محترم با اطلاعات خودشان که از استدلالات قانونی دارند فقط و فقط

رئیس - بدو رأی میگیریم بماده سوم موافقین قیام فرمایند.

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد حالا پیشنهاد آقای روحی قرائت میشود.

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم:

ماده الحاقیه - این قانون بلافاصله پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود.

رئیس - آقای روحی.

روحی - عرض کنم معمولاً قوانین يك موقع اجرائی در شان است و این قانون چون بقید فوریت بوده ضرورت اینطور الزام میکنند که بلافاصله این قانون اجرا شود.

وزیر عدلیه - اشکالی ندارد بنده موافقم که این ماده بطور ماده چهارم در این قانون باشد و تاریخ اجرای این قانون از تاریخ تصویب باشد تاریخ اجرا صریحاً معلوم باشد

رئیس - آقایانی که باماده الحاقیه پیشنهادی آقای روحی که آقای وزیر عدلیه قبول فرمودند موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده الحاقیه دیگری از آقای وثوق رسیده است قرائت میشود.

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم.

اشخاصیکه در مسافرت بوده و در مدت قانونی بجتهائی نتوانسته اند حاضر بشوند بعد از ثبوت آن در محکمه تمیز میتواند از ماده سوم استفاده نماید.

رئیس - آقای وثوق

وثوق - بنده چون در این قانون دیدم درجه ارفاقشان باندازه است که اگر يك کسی عرض حال بدهد در ماده اولش برای يك کسی فوت میکند فوراً می تواند برای ورته اش عرض حال بدهد اگر يك کسی مسافر باشد در يك جائی گیر کرده باشد و نتواند در موقع برسد که از قانون استفاده کرده باشد در این موقع چه باید بکند اگر

موافقت بفرمایند بنده این پیشنهاد را کردم می آید دلایل خودش را به محکمه تمیز یا به محکمه دیگری که حضرتعالی موافقت فرمائید اقامه کند اگر دلایلش موجه بود که در موعد معین یا مریض بوده نتوانسته است خودش را برساند یا قرانظینه بوده است در سرحد در موقع نتوانسته است بیاید از موقع استفاده بکند این عرض بنده بود.

وزیر عدلیه - اغلب آقایان ملاحظه فرموده اند که اغلب قوانین که راجع به عدلیه است خیالی احترام دارم از این که به مجلس بیاورم برای اینکه خیلی دقیق است مثل چرخهای ساعت که اگر خیالی دست بزنند ممکن است آن ساعت خراب شود. قانونی که بیاید اینجا خیلی محل بحث می شود بنده در این موضوعی که آقا میفرمایند وارد این قسمت نمی شوم که اگر از این قبیل بحث هائی که میفرمائید بخواهیم بکنیم چقدر از اینهاست منحصر بآن بیچاره نیست که در قرانظینه بوده است و یا مریض بوده است يك چیزهای دیگری هم هست که ممکن است آن بیچاره سر وقت هم آمده باشد درست دم آخر حرکت کرده نیمساعت بآخر وقت مانده برسد دو ساعت وقت داشته حالا این بیچاره که يك قدری دیر حرکت کرده حقش ازین برود؟! فقط چیزی که عرض میکنم این است که تمنا میکنم آقایان دیگر ماده واحده ماده الحاقیه ندهند بگذارید بگذرد بعد از این قوانین را می بریم در کمیسیون عدلیه با سر فارغ آقا هم تشریف بیاورید.

وثوق - بنده هم مسترد میکنم.

رئیس - مذاکره در کلیات است اشکالی نیست؟

(گفته شد - خیر) رأی میگیریم به مجموع قانون آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۵- تقدیم يك فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه و تقاضای تصویب آن فی المجلس]

وزیر مالیه بنده يك ماده واحده مختصری دارم که بجتهائی تقاضای فوریت کرده ام و چون بعضی آقایان

تایک اندازه ذهنشان مسبوق است یقین دارم هرچه زودتر آنرا تصویب میفرمایند.

ساحت محترم مجلس شورای ملی .

چون ممنوعیت قانونی صدور مسكوك بطور مطلق بعضی اوقات مخالف صلاح امور تجارتی است و بنا بر این حتی در مواردی که در مقابل صدور مسكوك تفره ممکن است معادل رسمی آن از اسعار خارجه تحصیل شود و نیز دست دولت از دادن اجازه صدور بسته است لهذا برای رفع این منقصد ماده واحده ذیل بقید دو فوریت پیشنهاد می شود:

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است در مواردیکه دولت خروج تفره مسكوك سالم را از ایران صلاح بداند اجازه خروج بدهد مشروط بر اینکه خارج کننده تمهید فروش اسعار برخری که کمتر از نرخ رسمی نباشد بنماید

**رئیس** - فوریت مطرح است مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) آقایانی که موافقت با فوریت اول قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد. فوریت ثانی مطرح است. اشکالی نیست؟ (گفته شد خیر) رأی میگیریم آقایانی که با فوریت ثانی موافقت قیام فرمایند. (اکثر نمایندگان قیام کردند)

**رئیس** - تصویب شد. ماده واحده مطرح است آقای دکتر طاهری.

**وزیر مالیه** - بنده بگ عرض مختصری دارم اجازه بفرمایند در اینجا که نوشته است برخری که کمتر از نرخ رسمی نباشد ظاهر مطلب را اینطور گرفته اند که قیمت اسعار خارجی کمتر باشد و این ممکن است تولید سوء تفاهم بکند بطوری که آقایان بعضی ها توضیح دادند شاید صریح تر و بهتر این باشد که بنویسیم بیشتر از نرخ رسمی نباشد منظور ما این است که مثلاً اگر لیره نه تومان است از نه تومان بیشتر نخرند و این واضحتر است و بیشتر مقصود را میرساند اگر اجازه می فرماید اینطور نوشته شود.

از طرف دولت برای این مقصود معین می شوند بفروشد ولی هرگاه دارندگان اسعار مزبور تعهد بکنند که در مدت لازمه برای ورود در مقابل پنجاه در صد اسعار خود مال التجارهائی را که تحصیل اسعار برای خرید آنها محتاج به اجازه کمیسیون تقنینی اسعار نیست وارد نمایند از فروش صدی پنجاه مزبور معاف خواهند بود. مقصود عرضم این است که ما در قانونی که قبلاً گذرانیدیم و در جلسه خصوصی هم آقای طهرانچی تذکر دادند این اشکال را حالا که مراجعه کردیم اگر چنانچه بخواهیم مسكوك صحیح را صادر کنیم مسكوك صحیح را که بنده قبلاً هم موافق بودم ولی حالا که قانون انحصار تجارت آمده است ما می توانیم در مقابل صدور مسكوك صدی شصت مال التجاره وارد کنیم و از این جهت آیا دولت یا آقای وزیر مالیه برای اینکه آن پول باقی بماند در مملکت و در مقابل بیرون رفتن اسعار خارجی که تحصیل می شود بماند و مال التجاره خارجی که وارد می شود در مقابلش چیزهایی در نظر گرفته اند نمیدانم.

**وزیر مالیه** - تذکری که آقای دکتر طاهری فرمودند راجع بدونکه بود یکی اینکه آیا اجازه خروج مسكوك تفره مطابقت دارد با آن قانونی که گذشته است که آنجا گفته اند مسكوك تفره را وقتی می شود خارج کرد که فلان و فلان شرایط را باید ایفاء کرده باشد و یکی از آن شرایط این است که باید بشکنند و یا علامتی به آن بگذارند. اگر بنا بود که مسكوك تفره را بشکنیم یا علامت بزیم هیچ محتاج به آوردن لایحه جدید و گرفتن اجازه نبود این ماده ناظر به آن قسمتی است که نه بشکنیم و نه علامتی بزیم مسكوك سالم خارج کنیم این است که این لایحه لازمست. مطلب دیگر راجع باین است که آیا اسعاری که تحصیل می شود از یک طرف خود خروج تفره تصدیق صدور و حق تحصیل جواز ورود می دهد

یا نمیدهد از مطلب بنظر بنده ابتدا اینطور می آید که محرز است که تصدیق صدور نمیدهد و حق جواز ورود هم نمیدهد و منظور هم این نبود که بدهد ولی آقایان که تذکر دادند بنده رجوع کردم در قانون سابق این گفته نشده است لهذا اگر که بخواهند يك كلمه اضافه شود که این را مستثنی بکند بنده مخالف نیستم.

**رئیس** - آقای دشتی

**دشتی** - عرضی ندارم

**رئیس** - پیشنهادی آقای طهرانچی کرده اند:

این جانب پیشنهاد میکنم در آخر ماده واحده عبارت ذیل اضافه شود: ولی صدور تفره مسكوك مجوز دادن تصدیق صدور صادر کننده نخواهد بود

**رئیس** - آقای طهرانچی

**طهرانچی** - نظر بفرمایشی که فرمودند در جلسات خصوصی چون ممکن است بنظر توازن لایحه بزند و مجوز دادن تصدیق صدور باشد این است که نظر دولت هم این بوده است که مجوز تصدیق صدور نخواهد بود

**وزیر مالیه** - بنده موافقم.

**رئیس** - قبول فرمودید؟

**وزیر مالیه** - بلی.

**رئیس** - رأی میگیریم بماده واحده با افزایش پیشنهاد

آقای طهرانچی که آقای وزیر مالیه قبول فرمودند آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[ ۶ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

**رئیس** - آقایان اگر موافقت می فرمایند جلسه را

ختم کنیم (صحیح است) جلسه آینده یکشنبه ۲۰

تیر ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور تصویب کتبرات

مسیو آذرنده هسی و سایر لوایح موجوده

( مجلس نیمساعت بعد از ظهر ختم شد )

**رئیس مجلس شورای ملی** - دادگر



## قانون

متمم قانون: مرور زمان اموال منقوله

ماده اول - اگر بوسیله عرضحال رسمی یا اظهار نامه قانونی حق خود را از دیگری مطالبه نماید و بعد معلوم شود که طرف از تاریخ تقدیم عرضحال یا اظهار نامه در حال حیات نبوده و یا اگر طرف شرکیتی بوده آن شرکت در تاریخ مزبور منحل بوده است این عرضحال یا اظهار نامه برای قطع مرور زمان بر علیه وراثت متوفی و یا بر علیه اشخاص یا شرکتهای که قائم مقام شرکت منحل شده اند و یا مسئول تعهدات او میباشند کافی خواهد بود.

ماده دوم - تقدیم عرضحال رسمی و یا اظهار نامه قانونی بعنوان وراثت طرف بدون تعیین اسامی یا محل اقامت آنان و یا بعنوان اشخاص یا شرکتهای که قائم مقام شرکت منحل گردیده و یا مسئول تعهدات او میباشد برای قطع مرور زمان کافی خواهد بود.

ماده سوم - اگر کسی قبل از انقضاء مهلت دو ساله که بموجب ماده (۸) قانون مرور زمان مصوب ۲ تیر ماه ۱۳۰۸ مقرر است بوسیله عرضحال رسمی یا اظهار نامه قانونی حق خود را مطالبه کرده باشد مدت مزبور منقطع شده و مدت جدیدی که برای حصول مرور زمان لازم است یکسال از تاریخ انقطاع خواهد بود علاوه بر بقید مدت دو سال قبل از انقطاع مهلت مذکور فوق فقط یکدفعه ممکن است.

ماده چهارم - این قانون بلافاصله پس از تصویب بموقع اجرا گذارده میشود

این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه سیزدهم تیر ماه یکهزار و سیصد و ده شمسی بتصویب مجلس

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

شورای ملی رسید

## قانون

اجازة خروج نقره مسكوك سالم از ایران

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است در مواردیکه دولت خروج نقره مسكوك سالم را از ایران صلاح بداند اجازه خروج بدهد مشروط بر اینکه خارج کنندگان تعهد فروش اسعار به نرخى که بیشتر از نرخ رسمی نباشد بنمایند - ولی صدور نقره مذکور مجوز دادن تصدیق صدور بصادر کنندگان نخواهد بود.

این قانون که مشتمل بر یکماده است در جلسه سیزدهم تیر ماه یکهزار و سیصد و ده شمسی بتصویب مجلس

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

شورای ملی رسید